

فرایند خصوصی‌سازی بانک‌ها در کشورهای همسان

حمیدرضا بهرامی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق
drbahrami@yahoo.com

رویا علائی

کارشناس ارشد مدیریت دولتی
royaalae@yahoo.com

نظریه خصوصی‌سازی به معنای واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به مکانیزم بازار نتیجه آثار سوء دخالت بیش از حد دولت در امور اقتصادی مطرح است و از آنجا که بازارهای مالی نقش حساس و قابل اعتمادی در فرایند خصوصی‌سازی اینها می‌کنند، بنابراین برنامه‌های خصوصی‌سازی می‌باشد با توسعه ظرفیت بازارهای مالی همراه باشد، بنابراین بانک‌ها در فرایند خصوصی‌سازی و رشد بازارهای سرمایه‌ای نقش مهمی دارند و می‌توانند در صنایع نقش واسطه‌ای اینها کنند یا به صورت مستقیم بر عملیات شرکت‌ها تأثیر بگذارند. هدف از این پژوهش بررسی فرایند انجام واگذاری بانک‌ها در کشورهای همسان است. در این راستا به لحاظ توسعه یافتنی کشورهای مجارستان، لهستان و مکزیک که جزو کشورهای در حال توسعه هستند در نظر گرفته شده‌اند. به این منظور پس از بررسی مبانی نظری خصوصی‌سازی و فرایند آن باگذاری و خصوصی‌سازی به مطالعه فرایند خصوصی‌سازی بانک‌ها در کشورهای مورد اشاره پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: خصوصی‌سازی، بانک، کشور همسان.

۱. مقدمه

در هنگامه گسترش جهانی‌سازی و آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری‌های جهانی دولت‌ها در سراسر جهان مسیر خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی را درپیش گرفته‌اند تا بهتر بتوانند در برابر فشارهای ناشی از رقابت پایداری کنند و منابع بیشتری نیز برای اجرای برنامه‌های اجتماعی در اختیار داشته باشند. سیاست‌ها و برنامه‌های خصوصی‌سازی به مثابه یکی از اجزای سیاست تعديل ساختاری در چند دهه گذشته، توجه بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را جلب نموده است.

دخلات‌های بیش از اندازه و رویه افزایش دولت‌ها در کشورهای مختلف جهان عرصه را برفعالیت‌های اقتصادی مردم تنگ کرده و هم کارایی در اقتصاد را بهشت کاهش داده و تعادل اقتصادی را در دو بعد داخل (درآمدها و هزینه‌های داخلی) و خارج (تراز پرداخت‌ها) برهم زده است. بانک‌ها و مؤسسات مالی واعتباری بهدلیل جذب سپرده‌گذاران و همچنین پرداخت وام به سرمایه‌گذاران نقش عمده‌ای در توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند و به عنوان ابزاری کارامد در توسعه کشورها نقش دارند. در این راستا کشورهای همسان از دو قاره آمریکا و اروپا در مسیر مراحل توسعه یافتنگی گام‌های نخست را طی کرده‌اند مانند مجارستان، لهستان و مکزیک.

۲. مفاهیم و تعاریف خصوصی‌سازی

ولجانوسکی (۱۹۸۷) خصوصی‌سازی را به معنای انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط بخش خصوصی یا انتقال مالکیت دارایی‌ها به بخش خصوصی می‌داند. با نگاهی به تعاریف متعدد خصوصی‌سازی می‌توان مفاهیمی چون بهبود عملکرد، انتقال مالکیت و مدیریت، آزادسازی و بازارگرایی‌گردن بنگاه‌ها و اقتصاد، ایجاد شرایط رقابت کامل و حذف مقررات دست‌وپاگیر دولتی را نیز از جمله مفاهیم خصوصی‌سازی دانست. با درنظر گرفتن این مفاهیم می‌توان یک تعریف مشترک و کلی از واژه خصوصی‌سازی ارائه نمود: "خصوصی‌سازی فرایندی است که طی آن کارایی مکانیزم بازار حیات دوباره پیدا می‌کند و عملکرد فعالیت اقتصادی دولت و بخش عمومی در محک آزمون قرار می‌گیرد و طی این فرایند می‌تواند منجر به محدود شدن مالکیت یا مدیریت برخی از واحدهای اقتصادی تحت تملک دولت و واگذاری آن به مکانیزم بازار شود (مکینسون، ۱۳۸۸)".

بانک یک مؤسسه واسطه است که اصولاً وجهه اشخاص را تحت عنوان امانت دریافت و آن را در اشکال وام و اعتبار، تنزیل بروات تجاری به خرید اوراق بهادر معرفی می‌نماید.

در حال حاضر و پس از جنگ جهانی کشورهای مختلف جهان به دو گروه عمدۀ تقسیم شده‌اند کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه و کشورهای درحال توسعه یا کشور روبه رشد کشورهایی هستند با استانداردهای به نسبت پایین زندگی، پایه صنعتی توسعه‌یافته و شاخص پایین توسعه انسانی (HDI).

۳. فرایند خصوصی‌سازی بانک‌ها در کشور مجارستان

اصلاح سیستم بانکی در مجارستان با ایجاد نظام دوگانه پیش از تحولات سیاسی در این کشور آغاز شد. در سال ۱۹۸۷ از دارایی‌های بانک مرکزی ۳ بانک تجاری دولتی تأسیس شد که مشتریان آنها بر اساس بخش‌های مختلف اقتصادی تعیین شدند. علاوه بر این، بانک دولتی پس‌انداز و بانک تجارت

خارجی نیز سیستم بانکی مجارستان را تشکیل می‌دادند. تجدید ساختار بانک‌ها در مجارستان طی یک برنامه سه ساله از سال ۱۹۹۴ و با افزایش سرمایه بانک‌ها آغاز گردید. هر چند این افزایش سرمایه بالغ بر ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی^۱ آن کشور گردید، اما نخستین خصوصی‌سازی بانک‌ها اواسط سال ۱۹۹۴ به وقوع پیوست و تا پایان سال ۱۹۹۷ هر ۵ بانک فوق طبق برنامه تنظیمی خصوصی شدند. در پایان سال ۱۹۹۷ میزان مالکیت دولت از ۶۸ درصد در سال ۱۹۹۴ به ۲۰ درصد و میزان مالکیت سرمایه‌گذاران خارجی از ۱۲/۵ درصد به ۶۰ درصد تغییر یافت. روند خصوصی‌سازی بانک‌ها در مجارستان اهمیت افزایش سرمایه بانک‌ها قبل از خصوصی‌سازی و تأثیر دخالت سرمایه‌گذاران خارجی را در این فرایند نشان می‌دهد. به محض تجدید ساختار ترازنامه اتمام پاکسازی آن و حذف مطالبات مشکوک‌الوصول از پرتفوی بانک‌ها خصوصی‌سازی بانک‌ها به سرعت آغاز گردید. ۵ بانک بزرگ دولتی طی یک برنامه سه ساله (۱۹۹۴–۱۹۹۷) خصوصی شدند و تقریباً کل مالکیت و کنترل سیستم بانکی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی واگذار گردید. بانک MKB نخستین بانکی بود که فرایند خصوصی‌سازی در آن انجام شد. این بانک سومین بانک بزرگ دولتی در کشور بود. از سال ۱۹۹۱ مذاکرات فروش این بانک به یک بانک آلمانی که از کارگزاران آن بانک محسوب می‌شد آغاز شده بود. انتقال سهام این بانک با ترکیبی از صدور سهام جدید به مبلغ ۱۹ میلیون دلار و واگذاری سهام دولت به وقوع پیوست. بانک آلمانی و بانک EBRD با پرداخت مجموعاً ۵۴ میلیون دلار به ترتیب ۲۵ و ۱۶/۷ درصد از سهام این بانک را به تملک خود درآورد. بعدها دولت و بانک EBRD سهام خود را به بانک آلمانی واگذار کردند و در حال حاضر بانک مذکور صاحب اکثریت سهام بانک MKB می‌باشد. دومین بانکی که سهام آن به بخش خصوصی واگذار گردید، بزرگترین بانک مجارستان یعنی بانک OTB^۲ بود که با شبکه‌ای بالغ بر ۴۳۰ شعبه به صورت انحصاری در بخش جمع‌آوری پس‌انداز فعال بود. تا پایان سال ۱۹۹۴، ۲ درصد از سهام این بانک به شهرداری و در سال ۱۹۹۵، ۲۰ درصد از سهام بانک مذکور به صندوق رفاه و بازنشتگی مجارستان واگذار گردید. دولت با نگهداری ۲۵ درصد سهام، ۳۴ درصد سهام بانک را از طریق عرضه عام به مردم واگذار نمود. در اکتبر سال ۱۹۹۷ دولت با فروش ۲۵ درصد سهام خود به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی خود را به طور کلی از بین سهامداران بانک خارج کرد. هر چند که سرمایه‌گذاران خارجی در مجارستان مالک اکثریت سهام در سیستم بانکی آن کشور هستند، اما خصوصی‌سازی این بانک نشان داد که در مجارستان نیز مقاومت در مقابل انتقال سهام بانک‌ها به خارجی‌ها وجود دارد. خصوصی‌سازی

1. Gross Domestic Product

2. Orszagos Takarekpenztar es Kereskedelmi Bank

نخستین بانک از سه بانک تجاری مجارستان یعنی BB^۱ به دلیل عدم توافق بین آن بانک و بانک CSFB در سال ۱۹۹۵ به تأخیر افتاد. موضوع واگذاری سهام این بانک به دلیل عدم انتشار خبر آن تا زمان اتمام واگذاری مورد اعتراض منتظران واقع شد. این انتقادات زمانی جدی‌تر شد که صاحب جدید آن شرکت‌های وابسته زیان‌ده آن بانک را به فروش رسانده و بخشی از وام‌های مشکوک الوصول و دارایی‌های بانک را به دولت بازگرداند. موضوع خصوصی‌سازی بانک‌های BB و MKB نشان از تمایل دولت مجارستان به واگذاری سهام بانک‌ها به سرمایه‌گذاران خارجی داشته و نتایج به دست آمده بیانگر این موضوع است که دولت قبل از توجه به قیمت سهام علاوه‌مند به واگذاری بانک‌ها به سرمایه‌گذاران قدرتمند است. چهارمین بانک دولتی که خصوصی‌سازی در آن انجام شد بانک MHB^۲ بود که سهام آن به یک بانک هلندی واگذار گردید. پس از خرید ۹۰ درصد سهام این بانک توسط بانک ABN Amro مذکور ضمن افزایش سرمایه بانک خریداری شده را با شرکت‌های وابسته خود در مجارستان ادغام نمود. در حال حاضر، بانک MHB نام بانک هلندی را به عنوان بانک مادر بر خود داشته و از نظر مالی یک بانک خارجی محسوب می‌شود. تجربه خصوصی‌سازی در این بانک مجددًا موفقیت استقلال اداره یک بانک از دولت و نقش سرمایه‌گذاران خارجی را در آینده بانک رقم زد. خصوصی‌سازی بانک K&H^۳ که بانکی تحصصی در زمینه مسائل کشاورزی بود در سال ۱۹۹۷ و با انجام یک مزايدة دو مرحله‌ای آغاز شد. جمعی از سرمایه‌گذاران خارجی متشکل از یک بانک بلژیکی، کردیت بانک و یک شرکت بیمه ایرلندی با پرداخت ۳۰ میلیون دلار ۱۰ درصد سهام را خریداری نمودند. پس از افزایش سرمایه بانک به مبلغ ۶۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاران خارجی هریک مالکیت ۲۳ درصد از سهام را در اختیار گرفته و ۱۸ درصد سهم بانک نیز به بانک EBRD واگذار گردید و میزان مالکیت دولت در این بانک در حد ۲۹ درصد باقی ماند. فرایند خصوصی‌سازی بانک‌ها در مجارستان حاکی از تغییر ساختار سیستم بانکی در مدت زمانی بسیار کوتاه (طی سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۷) بوده و تا پایان سال ۱۹۹۷ سیستم بانکی در مجارستان به طور عمده تجدید ساختار و سرمایه گردید و تقریباً تمام آن به بخش خصوصی که اکثرًا سرمایه‌گذاران خارجی بود واگذار شد و رود بانک‌های خارجی در آغاز خصوصی‌سازی و پس از تغییرات سیاسی موجب تسهیل روند خصوصی‌سازی و کمک به دولت بود و منجر به متحول گشتن سیستم بانکی در

1. Budapest Bank

2. Magyar Hitel Bank

3. Kereskedelmi es Hitelbank Bank (K&H Bank)

مجارستان گردید. مجارستان تنها کشور از کشورهای سویاگستنی سابق در اروپای مرکزی و شرقی است که به بالاترین رتبه از بانک EBRD جهت اصلاحات بانکی نایل شده است (مجتهد، ۱۳۸۷).

۴. فرایند خصوصی‌سازی بانک‌ها در کشور لهستان

در برنامه خصوصی‌سازی لهستان در سال ۱۹۹۰، ۷ شرکت متوسط در صنایع مختلف پوشانک، شیشه، الکترونیک، الکتریک، ذوب‌آهن، ساختمان و خدمات از طریق عرضه عمومی واگذار شده‌اند. علاوه بر این، حدود ۳۰ شرکت کوچک نیز با عرضه کارکنان آن‌ها واگذار گردیدند. در سال بعد، ۱۹۹۱، ۱۰ شرکت بین لیست ۵۰ شرکت صنعتی برتر لهستان واگذار شدند و با استفاده از تکنیک‌های مختلف ۱۵۰ تا ۲۰۰ شرکت از لیست ۵۰۰ شرکت برتر واگذار گردید و خصوصی‌سازی انبوهی از شرکت‌های کوچک که تقریباً یک سوم آنها را شامل می‌شد صورت گرفت (صادقی شاهدانی، ۱۳۸۹). در سال ۱۹۸۹ پیش از وقوع تحولات سیاسی در لهستان نه بانک تجاری دولتی ایجاد و شروع به کار نمودند. به منظور خصوصی‌سازی با استفاده از کمک‌های صندوق خصوصی‌سازی بانک‌های لهستان، برای تجدید سرمایه ۷ بانک از ۹ بانک مذکور سیستم بانکی لهستان معهده شد تا پایان سال ۱۹۹۶ هر ۹ بانک را خصوصی‌سازی نماید. خصوصی‌سازی بانک‌ها در این کشور از دو بانک با سطح مدیریت بالا و ترازانه قوی آغاز گردید. آمده‌سازی خصوصی‌سازی دو بانک مذکور^۱ در تابستان سال ۱۹۹۱ آغاز شد. ابتدا سهام بانک کوچکتر یعنی WBK به منظور اندازه‌گیری میزان ظرفیت بازار بورس در سال ۱۹۹۳ عرضه گردید (مجتهد، ۱۳۸۷). به علاوه، در شرایط اشتباه در اجرا یا عدم منافع عمومی ناکافی در ارائه این نظر وجود دارد که هزینه پتانسیل تجربیات یادگیری برای WBK کمتر از BSK بوده است.

همزمان با برنامه خصوصی‌سازی برنامه تجدید ساختار بانک‌ها نیز با همکاری بانک جهانی طراحی گشت و تلاش شد تا ترازانه بانک‌ها از مطالبات مشکوک الوصول پاک گردد. به طور کلی اهداف دولت لهستان از خصوصی‌سازی حفظ مالکیت بخشی از سهام بانک‌ها به منظور جلوگیری از نفوذ سرمایه‌گذاران خارجی، کسب درآمد برای خزانه دولت، تقویت بانک‌های داخلی برای رقابت با بانک‌های خارجی و سایر اهداف اجتماعی، جمع‌آوری سرمایه به منظور صندوق‌های بازنیستگی (مجتهد، ۱۳۸۷).

در نتیجه خصوصی‌سازی، BSK بازسازی قابل توجهی را انجام داده است. نمونه‌هایی از این دست عبارتند از گرایش مجدد پرتفوی وام بانک جدای از صنایع مشکل‌دار بر اساس مشتریان

1. Wielkopolski Bank Kredytowy (WBK) and Bank Śląski (BSKI)

Silestian قدیمی خود، اتخاذ راهبرد تهاجمی برای گسترش اعتبار تجاری و خردفروشی در بانک و فراتر از منطقه داخلی خود، پیاده‌سازی فعالیت‌های گستردۀ برای استخدام و تربیت نیروی کار محترب، معرفی محصولات جدید، خدمات و راهاندازی فناوری اطلاعات در شرکت‌ها با سرمایه‌گذاران راهبردی خارجی و گروه بین‌المللی هلند (ING). خصوصی‌سازی BSK در یک تلاش گرایش دولت را برای تمکن بر اهداف درآمدی به‌طور برجسته نمایان می‌سازد تا برای بانک‌های تحت مالکیت دولت قیمت درستی به‌دست بیاید. وزارت امور مالی و دارایی از مشاوران غربی تقاضا کرده است تا مسئولانه تلاش کرده و به مطالعه فرایند خصوصی‌سازی پردازند. در خلال ۱۹۹۱ گزارش‌هایی آمده شد که تقاضای بالقوه داخلی و خارجی را تحلیل کرده و ابزارهایی را توضیح می‌داد که به کمک آن خصوصی‌سازی می‌تواند تقویت شود. گام بعدی در فرایند به‌دست آوردن ارزشیابی بانک و شناسایی سرمایه‌گذاران هدف است. در این مرحله، وزارت امور اقتصادی و دارایی مفهوم اولیه ساختار مالکیت بانکی مطلوب را مورد بازنگری قرار داد و بر سر نقش بزرگتر سرمایه‌گذاران راهبردی به اتخاذ تصمیم پرداخت. راهبردی که جدیداً اتخاذ می‌شود حداقل ۲۵ درصد سهام سرمایه‌گذار اصلی برای سرمایه‌گذار عمدۀ اعم از داخلی یا خارجی از طریق مزایده ۲۵ درصد از طریق بورس به سرمایه‌گذاران جزء و تخصیص ۱۵ درصد به کارمندان بانک با شرایط ترجیحی و نگهداری تقریباً ۳۰ درصد سهام در مالکیت دولت است.

گام اول در خصوصی‌سازی WBK پر کردن یک اطلاعیه در ۱۶ مارس ۱۹۹۳ بود که صدور یک سهام جدید را برای به‌دست آوردن تلفیق سرمایه به مبلغ ۲۸/۵ میلیون سهام اعلام می‌کرد. در وهله اول دولت قصد داشت این سهم‌ها را به سرمایه‌گذار راهبردی خارجی بفروشد پس از یک بررسی ناموفق با بانک اروپایی ویژه بازسازی و توسعه (EBRD)^۱ وارد قرارداد شد تا کل سهام صادره جدید را به قیمت ۱۱۵۰۰۰ PLZ (\$ ۶/۸۹) به هر سهم و در کل ۱۲/۶ میلیون دلاری سرمایه جدید بفروشد. قیمت مشابه برای ۲۷/۲ درصد سهام در IPO اعمال شده و به دسته سرمایه‌گذار بزرگ (۲/۷ درصد) و دسته سرمایه‌گذار کوچک (۲۰ درصد) تقسیم می‌شوند. دوره پذیره‌نویسی برای هر حصه نزدیک به اوایل ماه است. دسته سرمایه‌گذاران کوچک به‌طور کامل پذیره‌نویسی خود را با سرمایه‌گذاران لهستانی انجام دادند، در حالی که ۸۰ درصد دسته سرمایه‌گذاران بزرگ توسط سرمایه‌گذاران داخلی خریداری شد. کل سهام بالقوه کارمندان روی ۱۵ درصد تنظیم شد.

WBK برای دادوستد در بورس اوراق بهادر ورشو در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۹۳ به قیمت هر سهم ۳۵۰۰۰ PLZ (\$ ۱۹/۶۶) گشایش یافت. تقریباً افزایش ۳ برابری نسبت به قیمت صدوری را تجربه

1. European Bank for Reconstruction and Development

کرد که وقتی شاخص بازار WIG به ۲۶ درصد افزایش یافت، شاهد آن بودیم. بر خلاف WBK، BSK به صدور سرمایه به عنوان بخش از خصوصی‌سازی اولیه نیاز ندارد با این حال، دولت بخش از پرتفوی وام را پاکسازی کرد. بهره‌دهی کلی بانک در مقابل این مشتری با مبلغ ۸۰۷/۸ میلیارد PLZ (۵۱ میلیون) یا ۵/۶ درصد دفتر بدھی است. یک قرارداد مشروط بین فیات و دولت لهستان بر سر تجدید ساختار و سایر وام‌ها منعقد گردید. از آنجا که ترتیب‌بندی با فیات تا پایان ژوئن ۱۹۹۳ به نتیجه نهایی نرسید BSK از صندوق خود مبلغی برابر ۵۰ درصد حدود خطر^۱ خود را به FSM داد. راه حل نهایی شامل حذف وام و سرمایه‌گذاری مجدد BSK با امنیت‌های دولتی بلندمدت بود که به طور مشترک دولت لهستان و فیات آن را متعهد می‌شوند. این واقعیت که BSK می‌توانست در مقابل پرداخت وام از محل صندوق خود بدون مطرح کردن سهام جدید گواهی بر قدرت مالی بانک است، بنابراین آمادگی برای خصوصی‌سازی با تشخیص شکست WBK برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی راهبردی اما داشت اینکه BSK تا حد زیادی سیال بوده و به نسبت بانک سالمی است آغاز شد. بسیاری از اقدامات و تصمیمات سیاسی اتخاذ شده توسط دولت در مورد BSK در پاسخ به رویدادهایی بود که در حواشی فروش WBK رخ داد. به این ترتیب، اقدامات اتخاذ شده در خصوصی‌سازی‌های بعدی تا حد زیادی تحت تأثیر توفیق‌ها و شکست‌های BSK قرار داشت. از آنجا که BSK تقریباً از نظر اندازه دوبرابر بزرگتر از WBK است خصوصی‌سازی آن می‌تواند آزمونی باشد که نشان دهد آیا سرمایه‌گذاران داخلی تمایل یا توانایی جذب سهام بانکی را با قیمت پیش‌بینی شده دارند یا خیر. توجهی که به قیمت‌گذاری سهام بانک‌ها مبذول می‌شود نشان‌دهنده نگرانی مأموران دولتی برای افزایش درآمدهای بودجه‌ای دولت است تا از فروش سرمایه‌های جذاب به قیمت بسیار ارزان به دلیل کسب سودهای غیرقطعی بلندمدت حاصل از خصوصی‌سازی سریع اجتناب گردد و از تهیه مهمات برای مخالفان سیاسی که ممکن است از افزایش بعد از IPO در قیمت بازار استفاده کرده و استدلال نمایند که در فروش اولیه سهام بانک بی‌کفایتی و فساد رخنه کرده است ممانعت به عمل آید. تمهیدات خصوصی‌سازی BSK در جلسه سالانه عمومی در ژوئن ۱۹۹۳ به مرحله نهایی خود رسید. دو سرمایه‌گذار پاریسی به نامهای Jeantet et Associes و Banque Paribas در آن شرکت داشتند. ۹/۲۶ میلیون سهم بر جسته در زمان مشارکت با ارزش صوری هر سهم PLZ ۱۰۰/۰۰۰ تقریباً معادل ۵ دلار با نرخ تبادل ارزی رایج در وله اول به سه بلوک تقسیم‌بندی شد، به طوری که در خصوصی‌سازی قبلی WBK نخستین بلوک شامل تقریباً ۳۰ درصد سهام بود که می‌بایست در اختیار دولت قرار می‌گرفت. بلوک دوم سهام بیش از ۱۰ درصد سهام بود که

1. Exposure

ترجیحاً برای کارمندان ذخیره شد. بلوک نهایی سهام شامل ۵/۵۶ میلیون سهام یا ۶۰ درصد کل بود. این سهام به دو حصه تقسیم‌بندی می‌شد: ۱/۳۹ میلیون یا ۱۵ درصد سهم سرمایه‌گذاران کوچک و ۴/۱۷ میلیون یا ۴۵ درصد در اختیار سرمایه‌گذاران بزرگ قرار گرفت، زیرا تلاش برای جذب سرمایه‌گذاران راهبردی خارجی در اوایل خصوصی‌سازی WBK با شکست مواجه شد، بنابراین وزارت‌خانه رویکرد خود را در ارتباط با BSK تغییر داد و حصه سرمایه‌گذاران بزرگ را به عنوان یک پیشنهاد مزایده برای سرمایه‌گذاران راهبردی و سرمایه‌گذاران نهادی (سازمانی)، ساختاربندی نمود. حصه سرمایه‌گذاران کوچک از طریق IPO در بازار تبادل بورس ورشو اداره می‌شد. بر طبق اطلاعیه مورخ ۳۱ آگوست سال ۱۹۹۳ پیشنهاد مزایده برای سرمایه‌گذاران بزرگ از ۱۴ سپتامبر لغایت ۱۵ اکتبر ۱۹۹۳ پذیرفته شد. حداقل مقدار لازم برای پیشنهاد مزایده ۱۸۵۰۰۰ سهم و حداکثر مقدار مجاز برای تمام سرمایه‌گذاران ۲/۴ میلیون سهم یا ۲۵/۹ درصد سرمایه کل بانک بود. در مزایده پیشنهاددهنده دو پاکت سربسته را تقدیم نمود. پاکت اول حاوی اطلاعاتی درباره پیشنهاددهنده و دوره زمانی بود که طی آن پیشنهاددهنده متعهد به نگهداری سهام است. از پیشنهاددهنده دعوت به عمل می‌آید تا سایر اطلاعات مربوطه از قبیل صورت وضعیت‌های مالی توضیح مختصری از منافع راهبردی و اطلاعات مربوط به افرادی که خواهان شرکت در مزایده هستند را برای درخواست عضویت به شورای بانک بفرستند. پاکت دوم تعداد سهام مورد تقاضا و قیمت پیشنهادی برای هر سهم بود. این پیشنهاددهنگان بر اساس اطلاعاتی که در پاکت‌نامه اول قرار داده‌اند بر اساس صلاح‌دید مطلق دولت به صورت مقدماتی انتخاب شدند. قیمت‌گذاری بر روی سهم BSK یکی از مقوله‌های بسیار مهم به شمار می‌آمد، زیرا مأموران رسمی دولتی نمی‌خواستند به بذل و بخشش این بانک به نسبت قوی محکوم شوند. در BRE نخستین بانک لهستانی که به بخش خصوصی واگذار شد، قیمت‌گذاری به گونه‌ای صورت گرفت که ارزش کل آن قریب به ۵۰ درصد ارزش دفتری بود. قیمت اعلام شده برای سهام WBK تقریباً برابر با ۷۵ درصد ارزش دفتری تنظیم گردید. روی این قیمت تقاضا به طور غیرمنتظره‌ای بالا رفت و WBK تا سه ماه بعد با نرخ اعلام شده ۳۵۰ درصد همچنان برای تبادل بازماند. در دوران افت ۱۹۹۳ WBK در بازار بورس ورشو با ۶ برابر قیمت اعلام شده مبادله گردید. روند رو به بالای شاخص بازار در کل و عملکرد سهام WBK به طور خاص در راستای شرایط مالی مطلوب BSK تماماً ملاحظات مهمی بودند که در تصمیم‌گیری وزارت‌خانه برای تنظیم حداقل قیمت یک سهم در مزایده سرمایه‌گذاران بزرگ مدنظر قرار گرفتند، به طوری که ارزش کل سهام BSK تقریباً برابر با ارزش دفتری آن بود. بر اساس این حداقل قیمت خرید ۲۳۰۰۰۰ PLZ (۱۱/۵۰ \$) برای هر سهم کمترین پیشنهاد مجاز در مزایده به سرمایه‌ای برابر ۴۲/۵۵ میلیون PLZ

(۲/۱ میلیون دلار) نیاز دارد. بسیاری استدلال می‌کردند که این مبلغ برای خریداران لهستانی بسیار زیاد بوده و شرکت سرمایه‌گذاران لهستانی در مزایده حصه سرمایه‌گذاران بزرگ بعید به نظر می‌رسید. مزایده به گونه‌ای ساختاربندی شده بود که بتواند سرمایه‌گذاران خارجی را جذب نماید. تخصیص سهام در مزایده می‌باشد با رتبه‌بندی پیشنهاده‌گان پذیرفته شده بر طبق قیمت پیشنهادی آنها به صورت استقرایی دنبال شد و سپس تقاضاهای سهام فایل‌بندی شود تا تمام سهام‌های موجود در معرض فروش قرار گیرند. قیمت مقرر^۱ می‌باشد پایین‌ترین قیمت پیشنهادی می‌بود که آخرین پیشنهاده‌گذار مطرح کرد، اما این قیمت می‌باشد پیشتر از حداقل قیمتی باشد که برای هر یک از سهم‌ها و به مبلغ PLZ ۲۳۰۰۰ (\$11/۵۰) تعیین شده بود. قیمت پیشنهادی برای سرمایه‌گذاران بزرگ کوچک IPO می‌باشد توسط دولت و بر اساس قیمت مقرر در مزایده سرمایه‌گذاران بزرگ پیشنهاد شود. قیمت پیشنهادی به وسیله شرکت کنندگان در مزایده از حداقل PLZ ۲۳۰۰ (\$11/۵۰) تا PLZ ۷۵۰۰ (\$37/۵۰) دسته‌بندی می‌شود. با این حال، مجدد از میان سرمایه‌گذاران راهبردی خارجی مهم هیچ‌یک جذب نشدن و تقاضای سهام در مزایده به طور کلی پایین بود. قیمت مقرر می‌باشد نزدیک به PLZ ۲۵۰۰۰ (\$12/۵۰) می‌تواند باشد. از آنجا که WIG همچنان پس از تعیین قیمت حداقل به افزایش قیمت‌ها اقدام کرده بود، این قیمت اساساً پایین‌تر از چیزی بود که وزارت امور اقتصادی و دارایی بر اساس انتظارات بازار به عنوان قیمت صحیح به آن اعتقاد داشت. علاوه بر این، نگرانی مأموران وزارت‌خانه از انتقاد روزافزوون برنامه خصوصی‌سازی بانک از طرف اعضای تازه منتخب ائتلاف حاکم بود که در تاریخ سپتامبر ۱۹۹۳ تشکیل شد. حزب طرفدار کشاورزان یکی از شرکای تأثیرگذار در این ائتلاف، رویکرد مردمی (Populist) تسبیت به خصوصی‌سازی بانک اتخاذ کرده و علیه مشارکت چشمگیر خارجی‌ها در مالکیت BSK مجادله نمودند. شکست در جذب سرمایه‌گذاران راهبردی خارجی حتی در قیمت‌های بسیار پایین و افزایش فشار سیاسی به تصمیم‌گیری وزارت‌خانه برای لغو مزایده در اکتبر ۱۹۹۳ انجامید. به دنبال لغو مزایده برای آن دسته از سرمایه‌گذاران بزرگ، وزارت امور اقتصادی و دارایی از جانب IPO دسته سرمایه‌گذاران کوچک تحت فشار قرار گرفت. تجربه WBK نشان می‌دهد با وجود اینکه حتی یک سرمایه‌گذار راهبردی خارجی یافت نشد IPO داخلی هنوز می‌توانست موفق باشد. تقاضاهای IPO سرمایه‌گذار کوچک در نوامبر ۱۹۹۳ پذیرفته شد. پیش از دوره تقاضا وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام کرد که تحقیق برای سرمایه‌گذار راهبردی ادامه می‌یافت، اما اگر ثابت شود موقفيت آمیز نخواهد بود سهام

۱. اصطلاح بورس اوراق بهادار که اشاره دارد به قیمتی که سهام یا ارز معین می‌باشد به آن برسد تا معامله اختیار خرید (Call Option) انجام گردد.

دسته سرمایه‌گذاران بزرگ در روزهای آتی در بازار فروخته می‌شود. برای حصه سرمایه‌گذاران کوچک حداقل تقاضا ۱۰ سهم و حداکثر ۵۰۰۰ سهم است. با ملغی شدن مزایده سرمایه‌گذاران بزرگ، وزارت امور اقتصادی و دارایی با مشکل تنظیم قیمت پیشنهادی IPO بدون قیمت مقرر برای استفاده به عنوان یک محک مواجه شد. قیمت ۵۰۰۰۰۰ PLZ (حدود \$۲۵) برای هر سهم تنظیم شد که نشان‌دهنده اهداف درآمدزایی دولت در پرتوفروش WIG است. با این قیمت، ارزش کل سهام BSK دو برابر ارزش دفتری تنظیم شد و به نسبت قیمت ارائه شده به ارزش دفتری برای BSK رسید که بالاتر از نسبت واقعی ارزش بازار به ارزش دفتری است که در آن زمان برای WBK در بازار معاملات بورس ورشو متدالوی بود. ارزش کل نشر حدود ۶ برابر بیشتر از بزرگترین نشری بود که تا آن تاریخ در بازار صورت گرفته است. با این حال، نسبت قیمت پیشنهادی برای BSK در حد قبل توجهی کمتر از ضریب واقعی برای WBK و سایر سهام بورس‌هایی است که در بازار معاملات آن زمان معامله می‌شدند و این نشان‌دهنده تمایل دولت برای اجتناب از قیمت‌گذاری سهام BSK برای سرمایه‌گذاران داخلی کوچک در بازار است. در این مورد، تلاش‌هایی برای تنظیم قیمت صورت گرفت که می‌تواند اهداف چندگانه حاصل از تنظیم قیمت که در حد قبل توجهی پایین‌تر از قیمت تهاصری بازار است را محقق سازد. بر اساس نتایج حاصل کارمندان بانک می‌باشند سهم خود را به دست می‌آورند، بخشی از این سهام با شرایط نرخ ترجیحی و مطابق قانون خصوصی سازی بین ۲۲ نوامبر تا ۳ دسامبر خریداری شدند. در عین حال، سهام در IPO از سوی دولت در تاریخ ۷ دسامبر اختصاص یافت زمان‌بندی IPO تحت تأثیر مناقصه ملغی شده قرار دارد، به این ترتیب دوره ارائه تقاضانامه تا اول دسامبر تمدید شد و تاریخ تخصیص تا ۲۰ دسامبر به تأخیر افتاد. تقاضا نیز از عرضه در IPO فراتر رفت، به طوری که ۸۷۰۰۰ خریدار هریک سه سهم خریداری کردند. برای اینکه هر یک از دارندگان در بازار بورس ورشو واجد شرایط گردند ملزم به افتتاح حساب سرمایه‌گذاری در مرکز کارگزاری شدند و در مالکیت سهام را ثبت نمودند. آخرین تاریخ تخصیص ۲۰ دسامبر بلاfaciale پیش از کریسمس بود و تعداد سهامدارانی که تا آن زمان حساب سرمایه‌گذاری افتتاح نکرده بودند ظرفیت محدود نظام را در خود پنهان کرد. بانک Gdansk که تنها عملیات کارگزاری را در شهر انجام می‌داد توانست تقریباً برای ۵۰۰۰۰ ساکنی که سهام BSK را به دست آورده بودند، افتتاح حساب انجام دهد. این اداره حدود ۵۰۰ حساب جدید را در هر روز کاری راه اندازه می‌نمود. با چنین سرعتی، ۲۰ هفته طول می‌کشید تا برای تمام ساکنان Gdansk که دارای سهام BSK بودند حساب گشایش شود اما شروع داد و ستد سهام BSK در بازار بورس ورشو در ۲۵ ژانویه ۱۹۹۴ آغاز شد. به طور متوسط، کارمندانی که این سهام را خریداری کرده بودند در تاریخ ۳ دسامبر آن را

دریافت نمودند و توانستند بلاfacسله تخصیص سهام خود را در حساب سرمایه‌گذاری گشایش شده در مرکز کارگزاری BSK ثبت نمایند. در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ در یک حرکت شگفت‌انگیز نماینده وزارت امور اقتصادی و دارایی BSK و ING تفاهم‌نامه‌ای را امضا کردند که به موجب آن ING می‌بایست سهام ۲/۴ را خریداری نمایند، این مقدار بیشینه‌ای است که در مزایده اولیه با شرکت ING مجاز شناخته شد. قیمت مورد توافق مشابه قیمت IPO بود، بنابراین ING حدود ۱/۲ تریلیون PLZ (۶۰ میلیون \$) برای ۲۵/۹۲ درصد سهام BSK پرداخت کرد. با تعیین اینکه این قیمت دو برابر بیشتر از حداقلی است که در مزایده ملغی تنظیم گردیده بود. سؤالی که در اینجا با آن مواجه می‌شویم این است که چه چیز به علاقه‌مندان جدید ING در BSK انگیزه می‌دهد. یکی از توضیحاتی که از سوی مردم‌شناسی رویدادها ارائه شده معتقد است که ING دارای اطلاعاتی راجع به تقاضای بیش از حد در IPO قبل از خرید می‌باشد که در ۱۳ ژانویه ۱۹۹۴ به مرحله اجرا درآمد. یکی دیگر از توضیحاتی که می‌توان ارائه نمود این است که تصمیم ING برای خرید سهام در BSK به این جهت بود که بتواند از وزارت امور اقتصادی و دارایی سودی به دست آورد، به طوری که می‌توانست راهبرد بزرگتر خود را در ارتباط با نظام بانکداری لهستان دنبال کند. پس از تمام معاملات مربوطه مقدار سهم باقیمانده که در اختیار خزانه دولت قرار گرفت برابر ۳۳/۲ درصد بود. در ۲۵ ژانویه ۱۹۹۴ نخستین روز معامله BSK در بازار بورس ورشو قیمت به PLZ ۶۷۵۰۰ (۳۳۷/۵۰ \$) یعنی حدود ۱۳/۵ برابر قیمت مقرر IPO رسید. به دلیل تأخیر در توزیع این سهام و فرایند الزامی ثبت‌نام در مراکز کارگزاری شمار اندکی از سهام دارای عده توanstند با این قیمت اقدام به معامله نمایند. حجم معامله در آن روز به حدود ۳۲۴۱۰ سهم یا ۰/۳۵ درصد کل سهام رسید. اقدام برتر کارمندان به آنها اجازه داد تا از مزایای تقاضای فراینده از IPO بهره برد و در روز افتتاحیه بفروشند. کارمندانی که PLZ ۲۵۰۰۰، نصف قیمت مقرر فروختند، هر سهم در روز اول به سود ۶/۵ میلیون \$ یعنی برابر ۳۲۵ \$ رسید. ماهیت رمزآلود مذاکرات با ING در اذهان عمومی این امر را مشتبه می‌سازد که ING نزول زیادی را به نفع خود در BSK به دست آورد است. این موقعیت موجب اعتراض عمومی و تقاضای بررسی رسمی در ائتلاف حاکم شد. مجوز کارگزاری BSK به طور موقت مغلق ماند. کمیته خصوصی‌سازی Sejm مسئولیت تحقیقات یک‌ساله‌ای را پیرامون این حادثه بر عهده گرفت. این کمیته اعلام کرد که قرارداد مورد توافق با ING به درستی اجرا شده است. با این حال، کمیته دریافت که مرکز کارگزاری BSK در حین پردازش سهام به کارمندان بانک به اشتباه سود پرداخته و لذا اصول رفتار مساوات با سهامداران نقض شده است، در نتیجه تعلیق فعالیت‌های مرکز کارگزاری برداشته شد و مجوز فعالیت مجدد آن در بازار IPO تا پایان ۱۹۹۶ کوتاه شد. مهمتر از همه آثاری

است که خشم سیاسی نسبت به زمانبندی و عواقب خصوصی‌سازی BSK بر سیاست‌های خصوصی‌سازی سایر بانک‌های تجاری تحت مالکیت دولت داشت (آباریانل و بنین، ۱۹۹۷). سومین بانکی که سهام آن به بخش خصوصی واگذار گردید بانک^۱ BPH بود. خصوصی‌سازی این بانک مشکلاتی همچون ادامه دخالت دولت در نحوه مدیریت بانک را به دنبال داشت و علاوه بر آن تجربه نشان داد که دولت لهستان حضور بانک‌های خارجی در سیستم بانکی را تا حدی تحمل و بیش از آن را به صلاح کشور ندانسته و به این منظور از ادغام بانک‌ها و حضور پررنگ‌تر سرمایه‌گذاران خارجی جلوگیری می‌نماید. چهارمین خصوصی‌سازی در بانک BG^۲ در دسامبر سال ۱۹۹۵ رخ داد. در فرایند خصوصی‌سازی این بانک با هدف جلوگیری از انتقال کنترل بانک به سرمایه‌گذاران خارجی، واگذاری $\frac{1}{3}$ سهام به سرمایه‌گذاران داخلی، $\frac{1}{3}$ به سرمایه‌گذاران خارجی، $\frac{30}{4}$ درصد دولت و $\frac{27}{4}$ درصد به کارکنان بانک آغاز شد. در این میان، یکی از بانک‌های خصوصی لهستان به نام BIG^۳ با خرید بیشتر سهام بانک BG را در BIG ادغام نمود، به طوری که در پایان سال ۱۹۹۶ گروه BIG به پنجمین بانک بزرگ لهستان تبدیل شد. در سال ۱۹۹۵ دولت به منظور تقویت بانک‌های لهستانی و رقابت با بانک‌های خارجی سیاست ادغام بانک‌ها را در پیش گرفت. این برنامه با ادغام سه بانک دولتی و بانک خصوصی شده BPH در این بانک‌ها و تأسیس دو بانک جدید تجارت خارجی و بانک پسانداز ارزهای بیگانه صورت گرفت. این برنامه با موفقیت روپرتو شد و پس از مدتی در سال ۱۹۹۶ سه بانک بزرگ دیگر در بانک پسانداز ادغام و گروه بانک‌های پسانداز ارزهای بیگانه را (که در حال حاضر بزرگ‌ترین بانک لهستان می‌باشد و ۲۰ درصد از کل دارایی‌های سیستم بانکی را در اختیار دارد) به وجود آورد. در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ نیز به ترتیب بانک‌های تجارت خارجی و پسانداز ارزهای بیگانه به جمع بانک‌های خصوصی پیوستند (مجتبه، ۱۳۸۷).

۵. فرایند خصوصی‌سازی بانک‌ها در کشور مکزیک

در مکزیک خصوصی‌سازی با واگذاری صنایع کوچک و رقابتی آغاز شد و به واگذاری سهام واحدهای زیربنایی، انحصاری و عام‌المنفعه پرداخته شد و در این راستا به ترتیب خطوط هوایی، کارخانه‌های شکر، معادن، شیلات، ارتباطات، آهن و فولاد کارخانه‌های کود شیمیایی و در نهایت

1. Bank Przemyslowo-Handlowy
2. Bank Gdanski
3. Bank Inicjatyw Gospodarczych

بانکداری تجاری واگذار گردیدند. به این ترتیب، در این کشور دو عامل میزان رقابت و مقیاس فعالیت شرکت در اولویت‌بندی واگذاری شرکت‌های دولتی مشمول واگذاری حائز اهمیت خاص بوده است (صادقی شاهدانی، ۱۳۸۹). روند خصوصی‌سازی بانک‌های مکزیک در سال ۱۹۹۱ رخ داد. تجربه خصوصی‌سازی بانک‌ها در مکزیک درس‌های ارزشمندی را در فراگرد خصوصی‌سازی در اختیار سایر کشورها قرار داده است. ساختار سیستم بانکداری در مکزیک تا سال ۱۹۸۲ یک ساختار خصوصی بود، اما در سپتامبر ۱۹۸۲ طبق دستور رئیس‌جمهور وقت خبر سلب مالکیت خصوصی در روزنامه‌های آن کشور منتشر شد و بانکداری مکزیک دولتی شد. براساس این دستور، قوانین مربوط به مؤسسات مالی (حدود ۱۲۳ مؤسسه مالی موجود) اصلاح شد و مالکیت خصوصی بانک‌ها ممنوع شد. دو بانک بانکو بربیوستی^۱ و بانک مکزیکو^۲ تنها بانک‌های خارجی بودند که اجازه فعالیت در این سیستم بانکداری را داشتند. در این فراگرد (دوره ثبت نظام بانکداری دولتی)

شاهد مراحل زیر می‌باشیم:

- سیستم بانکداری در سال‌های (۱۹۸۳-۱۹۸۵) وارد مرحله تجدید ساختار و نیز ثبت نظام بانکداری دولتی در مکزیک شد. در این مرحله شاهد ادغام بانک‌ها در یکدیگر می‌باشیم که بانک‌ها در این ادغام به سه دسته ملی، چند منطقه‌ای (ایالتی) و منطقه‌ای تقسیم می‌شوند.
- تغییر ساختار قانونی بانک‌ها در سال ۱۹۸۴ از شرکت‌ها به مؤسسات اعتباری ملی و سهام آنها به استناد قابل واگذاری تغییر نام داد.

- در سال ۱۹۸۵ رئیس‌جمهور وقت (دلامادرید) موافقت نمود تا شرکت‌های تابعه مالی غیربانکی از بانک‌های مالی جدا شوند و به مالکین قبلی بانک‌ها اجازه خرید این شرکت‌ها را داد. در این دوره نظام مالی جدید بانکداری مکزیک جهت جبران این افت شدید دست به ابتکار زد. تأسیس بانک‌های جدید به نام بانک‌های سرمایه‌گذاری سهام، بانک مسکن و نیز ایجاد مؤسساتی مانند مهندسی مالی جهت کمک به شرکت‌های بخش خصوصی همه و همه تلاشی در جهت ارتقای کیفیت بخش بانکداری دولتی و تشویق بخش خصوصی به مشارکت در این سیستم بود، اما این تلاش‌ها در عمل نتایج بسیار ضعیفی داشت. از سوی دیگر، احتیاج به دستیابی به استانداردهای بالای بخش مالی جهت رقابت در صحنه بین‌المللی، پیوستن مکزیک به پیمان تجارت جهانی در سال ۱۹۸۵ شرایط به وجود آمده برای اتخاذ استراتژی توسعه صادرات این کشور و مواردی از این دست لزوم آزادسازی مالی در این کشور را توجیه می‌کرد. این عوامل و برخی از تعدیلات اقتصادی شرایط را

1. Bripocity Banco

2. Bank of Mexico (Banco De Mexico)

جهت خصوصی‌سازی بانک‌ها در مکزیک مهیا نمود. با توجه به موارد مطرح شده مسئله خصوصی‌سازی بانک‌ها در مکزیک جهت دستیابی به اهداف زیر اجرا شد:

- اهداف مرتبط با سیستم بانکداری (جهت افزایش رقابت و بهبود کارایی در سیستم مالی و دستیابی به یک توازن و تعادل در سیستم مالی)
- اهداف مرتبط با ساختار مالکیت در سیستم بانکداری (برای محافظت حقوق مالکیت بانک و جلوگیری از یک مالکیت متمرکز به منظور حصول اطمینان از اینکه بانک توسط خود صاحبان و مالکان آن و بدون مداخلات خارجی اداره شود)
- اهداف مرتبط با تکنیک و فرایند خصوصی‌سازی بانک‌ها (جهت دستیابی به صلاحیت مدیریت بانک و بهبود نظام سرمایه‌داری بانک) (مجتبه، ۱۳۸۷).

به این منظور، حدود ۸ سال پس از ملی شدن بانک‌های مکزیک رئیس جمهور سابق کارلوس سالیناس دی گورتاری در تاریخ ۲ مه سال ۱۹۹۰^۱ اصلاحیه قانون اساسی را برای خصوصی‌سازی مجدد بانک‌های تجاری به کنگره تقدیم کرد. فرایند خصوصی‌سازی بانک‌ها می‌باشد با شفافیت کامل و با توجه به اصول کلی که دولت در کناره‌گیری‌های خود از آن تعیت می‌کند انجام می‌شود. کنگره اصلاحیه قانون اساسی را تقریباً بدون مخالفت تصویب کرد. بر اساس ابتکار عملیاتی قوه مجریه با تحولات محیط اقتصادی ناشی از زمان ملی شدن در سال ۱۹۸۲ و از آنجا که دولت می‌باشد بر سایر اولویت‌ها تمرکز می‌نمود، خصوصی‌سازی بانک‌ها توجیه شد. قوانین خصوصی‌سازی در ژوئن سال ۱۹۹۰ همگانی شد. قانون موسسات اعتباری و گروه مالی، هر دو در ژوئیه سال ۱۹۹۰ به تصویب رسید و مالکیت عمده بخش خصوصی را بر بانک‌های تجاری مقدور ساخت. ماده دوم قانون موسسات اعتباری نشان داد که سهام سرمایه موسسات بانکی می‌باشد شامل مجموعه سهام زیر باشد:

- سری سهام A که می‌تواند تحت مالکیت مکزیکی‌ها، دولت مکزیک و بانک‌های توسعه کشور

بوده و همیشه می‌باشد ارائه کننده حداقل ۵۱ درصد سرمایه کل بانک باشد.

- سری سهام B که می‌تواند در اختیار موسسات مالی و شرکت‌های مکزیکی و نیز کسانی قرار

گیرد که واجد شرایط مالکیت سری سهام A هستند. سهام سرمایه‌ای که این مجموعه از سهام ارائه می‌نمایند می‌تواند بین ۱۹ و ۴۹ درصد کل منوط به صدور سهام C باشد.

- اگر صادر شود سهام C می‌تواند تا ۳۰ درصد کل موجودی سرمایه بانک را ارائه کرده و تحت

مالکیت هر کس صرف نظر از ملیت قرار گیرد. با این وجود، از دسترسی دولت‌های خارجی و سازمان‌های

بین‌المللی (مانند بانک جهانی و IFC) به بانک‌های مکزیک به‌طور کلی ممانعت به عمل آمده است. مجوز وزارت امور اقتصادی و دارایی و اعتباری عمومی (SHCP) برای صدور سهام این مجموعه لازم است. قانون مؤسسات اعتباری نیز نشان داد که هیچگاه مالکیت فردی بر بیش از ۵ درصد سهام سرمایه بانک نخواهد بود، البته این مشارکت می‌تواند به حداقل ۱۰ درصد با رضایت SHCP افزایش یابد، همچنین هدف از این قانون نظم بخشیدن به بانکداری و تعیین شرایطی است که دولت به موجب آن بتواند بر نظام بانکی نظارت و کنترل داشته باشد. سهام شرکت‌های مالی مادر نیز به همان سه دسته فوق که برای بانک‌های تجاری بیان کردیم تقسیم‌بندی شده و مشمول همان معیارهای شرایط مالکیت هستند. این قانون شرایط شکل‌گیری سه نوع گروه مالی را فراهم می‌آورد. نخست بانک‌هایی هستند که فعالیت‌های اجاره، عاملیت، ارز خارجی، مدیریت سرمایه‌گذاری دوجانبه و انبارداری مبتنی بر دارایی در آنها انجام می‌شود. گروه دوم بنگاه‌های اقتصادی واسطه‌گری (کارگزاری) است که فعالیت‌های اجاره، عاملیت، ارز خارجی، مدیریت سرمایه‌گذاری دوجانبه و انبارداری و گواهی مبدأ را انجام می‌دهند. گروه آخر، شرکت‌های مادر هستند که می‌بایست حداقل سه نهادهای زیر با کمتر از یکی از هر نوع را دارا باشند: یک بانک، یک شرکت بیمه، یک مرکز کارگزاری، یک شرکت لیزینگ، یک شرکت امانی، شرکت مدیریت سرمایه‌گذاری دوجانبه، مرکز تبادل ارز خارجی و شرکت انبارداری. در اواسط آوریل ۱۹۹۲ امکان کسب سهام B در همه بانک‌ها به سرمایه‌گذاران خارجی تحت این شرایط که بانک سهام B خود را با (NAFIN)^۱ صندوق امانی بی‌طرف ثبت‌نام کند داده شد، سپس در تاریخ ۹ژوئن سال ۱۹۹۲ کنگره مکریک پروپزالی را تصویب کرد که به شرکت‌های مادر بانک اجازه می‌داد سهام L (تا ۳۰ درصد از سهام عادی موجود) و بدھی‌های فرعی قابل تبدیل را صادر نماید. سهام L هیچ محدودیتی در مالکیت ندارد اما دارای حق رأی محدود است. سهام L و بدھی‌های فرعی قابل تبدیل می‌تواند به عنوان بخشی از سرمایه در نظر گرفته شود.

۶. فرایند فنی خصوصی‌سازی بانک

از آغاز کار این روند در نظر داشت به ۸ هدفی که با نام حداقل شفافیت احلاق می‌شود نائل گردد. به این منظور، کمیته‌ای تحت عنوان خصوصی‌سازی بانک‌ها با هدف انتقال و واگذاری بانک‌های دولتی به بخش خصوصی تأسیس شد. به نوعی هدف اصلی این کمیته ارائه راهکارهای مطمئن جهت ارزش‌گذاری دقیق اموال دولتی و نحوه انتقال و واگذاری آن به بخش خصوصی بود. در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۰ این کمیته سازوکارها و دستورالعمل‌های خود را جهت خصوصی‌سازی بانک‌ها در سه مرحله اعلام کرد:

1. Nacional Financiera

- مرحله اول: ارزش گذاری (ارزیابی) مؤسسات شامل ارزش گذاری اجزاء و دارایی‌های بانک و فروش سهام دولت
- مرحله دوم: تعیین نحوه و چگونگی واگذاری مالکیت
- مرحله سوم: نامنوبیسی و ثبت پیشنهادات خریداران
- ارزیابی مؤسسات: هر مؤسسه در وله اول می‌بایست ارزش دفتری سهام خود را بر اساس استانداردهای تعیین شده توسط کمیته تعیین نماید. برای هر بانک یک سال پایه که از آن صورت وضعیت‌های مالی استنتاج شده است، تعیین گردید. مشاوران خارجی استخدام شده در CNB این فرایند ارزیابی را تأیید کرده‌اند. ارزش‌گذاری اقتصادی توسط این کمیته و هر یک از مؤسسات بانکی به‌طور جداگانه انجام شد.

این ارزیابی‌ها در نظر دارند یک نمودار محک (قیمت نهایی) برای ارزیابی منصفانه بودن قیمت مزايدة ارائه نمایند. از آنجا که دولت این حق را به‌طور محفوظ دارد که چنانچه قیمت مزايدة کمتر از حد اکثر قیمت پیشنهادی دولت باشد بانک را نفروشد؛ بنابراین محاسبه ارزیابی دقیق اقتصادی امری حیاتی است. بنابر این دلایل، این اعداد محربانه نگهداری می‌شوند و شرکت کنندگان در مزايدة به هیچ‌وجه به نتیجه روند ارزیابی دسترسی ندارند. برای ارزیابی اقتصادی شمار کثیری از مشاوران خارجی به استخدام درآمدند. ارزش مؤسسه دایر بانک با استفاده از ارزش فعلی نقدینگی مورد انتظار از عملیات بر اساس برنامه‌های مدیریت و راهبردهای فعلی برآورد می‌شود. علاوه براین، در این ارزشیابی‌ها برای برآورد ارزش بالقوه بانک‌ها تلاشی صورت نگرفته است، همچنین، برای ارزش‌های ناملموس مانند پایه مشتری، کیفیت مدیریت و یارانه‌های احتمالی دولتی پیش‌بینی انجام نشده. در نهایت، ارزش این مؤسسات متناظر با سهم آنها در گروه مالی ارزشیابی نمی‌شود. به عبارت دیگر، منافع حاصل از صرفه‌جویی ناشی از مقیاس و تنوع تولید برآورد نشده است. برای خصوصی‌سازی هر بانک، کمیته علاوه بر گزارش ارائه شده توسط هر یک از بانک‌ها که با کمک مشاوران خارجی خود تهیه کرده‌اند گزارش مشاوران خارجی خود را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهد. اعداد مربوط به ارزش گذاری در شرایط بسیار محربانه حفظ می‌شود. کمیته سوالاتی به هر دو گروه مشاوران تقديم می‌کند تا تفاوت بین ارزش گذاری‌های به روشنی مشخص گردد، اما در هیچ یک از موارد اطلاعات ارائه شده در اختیار گروه‌های مشاور یا طرفین ذینفع در خرید بانک‌ها قرار نمی‌گیرد.

۷. ثبت‌نام از پیشنهاد کننده و تأیید

ثبت‌نام از اشخاص علاقه‌مند یکی از عناصر اساسی کل فرایند است. این مرحله در شناسایی افراد یا گروه‌های علاقه‌مند به کسب سود سهام دولت در هر بانک و تعیین زمان فروش هر مؤسسه، کمک می‌کند. ثبت‌نام به دو بخش تقسیم شد: یکی در شرکت‌های مادر مالی فهرست‌بندی شده است و گروه‌هایی از افراد که برای به‌بدست آوردن بسته‌های سهام تعیین‌کننده علاقه‌مند هستند. دیگری شامل تمام افراد یا گروه‌های دیگر است که نمی‌خواهند این بسته‌ها را به‌بدست آورند، بلکه خواهان مشارکت در مزایده (حراج) هستند. در مورد دوم، کمیته تضمین آنها را در یکی از گروه‌های کنترل که تاکنون فهرست‌بندی شده‌اند پیشنهاد می‌کند. ثبت‌نام به معنای صدور خود به خودی مجوز برای شرکت در مزایده نیست. مجوزها تنها به کسانی داده می‌شود که ثبت‌نام کرده و تمام شرایط لازم را احراز نموده باشند. شرایط مورد نیاز برای تمام طرفین ذینفع شامل یک تقاضای اولیه برای هر یک از بانک‌ها است که بر اساس آن تمایل به شرکت در مزایده مشخص می‌شود، البته به هریک از آنها اجازه داده می‌شود تنها سهام تعیین‌کننده یکی از مؤسسات را به‌بدست آورند. علاوه بر این، تمام گروه‌ها ناگزیرند ظرفیت خود برای مدیریت مؤسسه و شخصیت اخلاقی معتبر سهامداران خود را اثبات نمایند. شرایط عمومی جامع بوده و مواردی از جمله نام، ملیت، آدرس، شغل و موقعیت جغرافیایی هر یک از شرکا (در صورتی که افراد با یکدیگر تشکیل گروه دهند) و همچنین نسبت سهامی که هر یک از اعضای گروه می‌خواهد داشته باشد را در بر می‌گیرد. اگر هر یک از این افراد تاکنون مالکیت سهام مؤسسه‌ای را که سایرین خواهان آن هستند داشته باشد می‌باشد تعداد سهام هر فرد را مشخص نمود. علاوه بر این، شرکت‌ها و گروه‌های مالی ملزم به ارائه کپی از آینه‌نامه‌های شرکت خود هستند. تمام گروه‌ها و شرکت‌های مالی مادر نیز می‌باشد پلان‌کاری خود را شامل یکپارچه سازی احتمالی نهاد در یک گروه مالی، بخش بازاری که می‌خواهند در آن کار کنند، سیاست‌های سرمایه‌گذاری که قرار است دنبال شود، مشارکت احتمالی اشخاص حقوقی خارجی، سیاست تقسیم سود برای سه سال آینده، مناطق عملیات یا بخش‌هایی که فعالیت‌ها در آن متتمرکز بودند و نیز فهرستی از اعضای هیئت‌مدیره بالقوه و مأموران اجرایی رده دو ارائه نمایند. در نهایت، اطلاعات کلی در مورد اعضای هیئت‌مدیره و مأموران رده بالای اجرایی شرکت مالی مادر (در مواردی که تقاضانامه از سوی شرکت مالی مادر باشد) لازم است. با تأیید تقاضانامه از جانب کمیته تمام گروه‌ها اجازه شرکت در مزایده سود سهام دولتی را می‌یابند. مجوز به شرکت‌های مادر یا گروه‌هایی که می‌خواهند کل بسته مزایده را داشته باشند و نیز مقاضیانی که بر شروط مرتبط با سهامداری افراد منطبق هستند اعطای می‌گردد.

در مجموع، ۱۴۴ ثبت نام از ۳۵ دسته مختلف که علاوه‌مند به اکتساب ۱۸ موسسه بودند، به عمل آمد.

۱-۷. فرایند فروش

این مرحله را می‌توان در سه مرحله فرعی تقسیم‌بندی نمود: پیش‌فروش، مزایده و انتقال مالکیت.

- پیش‌فروش: فروش و انتقال سود سهام دولتی در بانک‌ها، ایجاد تغییر در ساختار حقوقی آنها که بر اساس تقویم واگذاری که کمیته مقرر کرده است انجام می‌شود. نخست بانک از مؤسسه اعتباری (SNC) به شرکت^۱ تغییر ساختار می‌دهد. دوم، سهام مشترک با CAPها تعویض می‌گردد. مجموعه CAPها نماینده ۶۶ درصد سرمایه بانک هستند که به سهام سری‌های A و B تبدیل شدند (به ترتیب ۵۱ و ۱۵ درصد)، در عین حال CAPهای سری B نیز به سهام سری B تبدیل شدند. این تبدیل به صورت مؤثر درصد سهام A را از ۶۶ درصد به ۵۱ درصد کاهش و سهام B از ۳۴ درصد تا ۴۹ درصد افزایش داده است، در عین حال سهام C در این مرحله صادر نشده است.^۲

بانک‌ها در بسته‌های سه یا چهار مؤسسه گروه‌بندی شدند تا به طور همزمان به مزایده گذاشته شوند. کمیته ترکیبی این بسته‌ها را به دقت طرح‌ریزی نمود، زیرا برخی از متقاضیان برای خرید چندین مؤسسه ثبت کرده بودند. علاوه بر این، توالی فروش‌ها و روند صدور قصد دارند شرایط را برای اثر آبشار^۳ فراهم نمایند، یعنی با فروش هر بانک به صورت جداگانه اشخاص علاوه‌مند می‌توانند در مزایده‌های مؤسسات مختلف شرکت کنند که به نوبه خود مشارکت را ترغیب کرده، بهره بانک‌های مختلف را افزایش داده و موجب می‌گردد مزایده نسبت به موقعی که بانک‌ها یکباره به طور کامل فروخته می‌شوند، رقابتی‌تر باشند. به این ترتیب، کمیته می‌بایست به هنگام گروه‌بندی بانک‌ها ملاحظات زیر را در نظر داشته باشد (ارتین، ۱۹۹۴):

- وجود حداقل دو گروه علاوه‌مند به کسب سهام تعیین کننده بانک
- اولویت‌های تمام گروه‌های علاوه‌مند به خرید بیش از یک بانک
- سلامت مالی بانک که فرصت خوبی برای فروش به بانک می‌دهد.

1. Sociedad Anonima' (S A)

۲. اگرچه وقتی CAPها به سهام عادی تبدیل می‌شوند، سهام C صادر نمی‌گردد امکان وجود آنها به این معناست که سرمایه خارجی می‌توان در مالکیت بانک‌ها سهیم باشد. برای گروه‌هایی که امکان دعوت سرمایه‌گذاران خارجی را در نظر می‌گیرند یا قصد دارند سهام خود را وارد بازارهای سرمایه بین‌المللی نمایند بسیار حائز توجه است. بنابراین قبل از اتخاذ هر یک از اقدامات داشتن مجوز از جانب SHCP لازم است.

3. Cascade Effect

- نقدینگی در بازار مالی با توجه به اندازه برخی مؤسسات

- مجوز از FOBAPROA که به دولت اجازه می‌دهد سهم مشارکت خود را در بانک‌هایی بفروشد که این صندوق در ازای اوراق قرضه قابل تبدیل حمایت می‌کند.

با توجه به درصد سهامی که دولت می‌فروشد هر یک از موارد می‌بایست به صورت متفاوت مشخص گردند. برای تعیین یک مورد منحصر به فرد منطق ساده‌ای حاکم است: دولتی که بخواهد سود خود را به حداقل برساند تعداد سرمایه‌گذاران را افزایش داده و از مشکلات نقدینگی اجتناب می‌ورزد. درصد به میزان سهام هر یک از بانک‌هایی بستگی دارد که در اختیار دولت و یا تحت کنترل FOBAPROA هستند. در خصوص Bancrecer، Banpais و BCH که هیچگاه CAP‌ها را در بازار قرار ندادند ۱۰۰ درصد سرمایه (سهام‌های A و B) در دست دولت بوده و در معرض فروش گذاشته می‌شوند. در مورد بزرگترین بانک‌ها (Bancomer، Serfin و Banamex) و برخی بانک‌های متوسط (Somex و Internacional) درصد سهام فروخته شده به بسته‌هایی تقسیم بندی می‌شوند که هریک بین ۲۰ تا ۳۰ درصد است. به عنوان مثال، از مجموع ۶۶/۹۸ درصد از سرمایه Serfin در زمان خصوصی‌سازی تحت مالکیت دولت قرار داشت تنها ۵۱ درصد سهام به مزایده گذاشته شد. ۱۵/۹۸ درصد باقیمانده به عنوان گزینه خرید در اختیار گروه‌هایی قرار می‌گیرد که می‌خواهند بانک را به دست آورند در غیر این صورت روانه بازار می‌شوند. سهام ۱۰ بانک دیگر نیز در قالب یک بسته بالغ بر کل مشارکت دولت به مزایده گذاشته می‌شود. جدول زیر درصد سهام فروخته شده از هر بانک را در زمان خصوصی‌سازی گزارش می‌کند. در تمام مراحل کار استثنا وجود دارد. در مورد Banamex دولت تصمیم دارد در ابتدا سهم مشارکت خود را در سه بسته جداگانه (۲۰، ۳۱ و ۱۹/۷۲) به فروش برساند. با این حال، پیشنهادی که روبرتو هرناندز برای خرید کل دارایی سهام دولت (۷۰/۷۱ درصد) ارائه کرد به حدی رقابتی است که دولت تصمیم گرفت (از طریق کمیسیون Intersecretarial و بر اساس پیشنهاد کمیته واگذاری) سه بسته را به یک گروه بفروشد.

جدول ۱. درصد سهام فروخته شده از هر بانک کشور مکزیک

بانک	کل سهام دولت	کل سهام فروخته شده	A سهم (درصد)	B سهم (درصد)
Mercantil	۷۷/۱۹	۷۷/۱۹	۵۱	۲۶/۱۹
Banpais	۱۰۰	۱۰۰	۵۱	۴۹
Cremi	۶۶/۷	۶۶/۷	۵۱	۱۵/۷
Confia	۷۸/۶۸	۷۸/۶۸	۵۱	۲۷/۶۸
Banorie	۶۶	۶۶	۵۱	۱۵
Bancrecer	۱۰۰	۱۰۰	۵۱	۴۹
Banamex	۷۰/۷۱	۷۰/۷۱	۵۱	۱۹/۷۲
Bancomer	۷۸/۵۳	۵۶	۵۱	۵
BCH (Banco Union)	۱۰۰	۱۰۰	۵۱	۵
Serfin	۶۶/۹۸	۵۱	۵۱	۰
Comermex	۶۶/۵۴	۶۶/۵۴	۵۱	۱۵/۵۴
Somex (Banco Mexicano)	۸۱/۹۲	۸۱/۹۲	۵۱	۳۰/۹۲
Atlantico	۶۸/۸۴	۶۸/۸۴	۵۱	۱۷/۸۴
Promex	۶۶	۶۶	۵۱	۱۵
Banoro	۶۶/۰۳	۶۶/۰۳	۵۱	۱۵/۰۳
Banorte	۶۶	۶۶	۵۱	۱۵
Internacional	۷۲/۰۴	۵۱	۵۱	۰
Bancen	۶۶/۳۱	۶۶/۳۱	۵۱	۱۵/۳۱

مأخذ: نتایج تحقیق.

در مجموع ۵۴ مزایده برای ۱۸ بانک برگزار شد. جدول زیر خلاصه به اختصار ساختار مزایده برای هر بانک را نشان می‌دهد. مزایده بین ۵ (در یک مورد) و ۲ (در هفت مورد) قرار می‌گیرد. تفاوت بین پیشنهاد برنده و دومین پیشنهاد بالا گویای تغییر و بی ثباتی قبل توجه در بانک‌ها است. در عین حال، در دو مورد (Somex و Banoro) پیشنهاد دوم مزایده ۲۹ و ۱۶ درصد کمتر از پیشنهاد برنده بود، به این ترتیب در سه مورد (Confa، BCH و Banorte) پیشنهاد دوم مزایده یک درصد پیشنهاد برنده بود. در اغلب موارد این استدلال مطرح می‌شود متقاضیان خرید بانک در مزایده قیمت را بیشتر پیشنهاد کرده و مبالغ گرافی را پرداخت می‌نمایند. جدول (۲) تحلیلی از مزایده‌های برنده را ارائه می‌نماید. بهایی که برای ارزش دفتری سهام پرداخته می‌شود یکی از نسبت‌های متعددی است که برای حمایت از چنین استدلالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نسبت‌ها بین $۲/۵$ برابر و $۵/۳$ برابر و به طور متوسط $۳/۴۷$ برابر است. جدول (۲) میانگین قیمت نسبت‌های ارزش دفتری برای هر بسته مزایده را گزارش می‌کند. دو بسته آخر به ترتیب نسبت‌های $۴/۵$ برابر و $۳/۹۵$ برابر را تحقق می‌بخشند.

جدول ۲. گروه‌ها و ساختارهای مزایده

بانک	گروه پرنده	گروه دوم مناقصه	گروه سوم مناقصه	گروه چهارم مناقصه	گروه پنجم مناقصه
Mercantil	G.Fin.Probursa (۶۱۱/۲)	G.Fin.Mexival (۵۷۱/۲۴)	G.Alcantara (۵۵۰/۴۳۲)	Zaidenweber (۵۲۱/۰۴)	
Banpais	G.Fin.Mexival (۵۴۴/۹۹)	G.Fin.ABACO (۵۱۴/۹۳۸)			
Cremi	Empresarios de Jalisco (۷۴۸/۲۹۱)	Empresarios de Guadalajara (۵۵۰/۳۰)	G.Alcantara (۵۲۱/۲)		
Confia	G.Fin.ABACO (۸۹۲/۲۶۰)	G.Fin.Inverlat (۸۸۵/۹۳۴)	Zaidenweber (۷۴۱/۵۵۷)		
Banorie	G.Fin.Margen (۲۲۳/۲۲۱)	Jose Abed (۲۰۱/۶۳۰)	Antonio Chedraui (۱۸۲/۴۸۳)	Alejandro Couttolenc (۱۴۳/۲۸۸)	
Bancracer	G.Alcantara (۴۲۵/۱۳۱)	Valores Finamex (۳۹۲/۴۱۳)			
Banamex	G.Fin.Accival (۹/۷۰۶/۱) ^a	G.Fin.Invermexico (۳/۸۸۸/۴۸۷) ^b			
Bancomer	Grupo Vamsa (۸/۵۶۴/۲۱۸)	G.Fin.OBSA (۷/۷۲۳/۸۵۴)	G.Fin.Prime (۳/۱۷۸/۷۴۷)	G.Espinosa Yglesias (۲/۸۴۷/۹۲۷)	
BCH	G.del Sureste (۸۷۸/۳۶)	Grupo Creel (۸۷۰/۱۵۷)	Valores Finamex (۵۰۸/۹۹۷)		
Serfin	G.Fin.OBSA (۲/۸۲۷/۷۹۱)	G.Bursatil Mexicano (۲/۹۷۹/۸۲۷)			
Comermex	G.Fin.Inverlat (۲/۷۰۶/۰۱)	Grupo Creel (۲/۹۲۹/۷۵۱)	G.Fin.Invermexico (۲/۵۶۴/۰۰۷)	G.Bursatil Mexicano (۱/۸۸۲/۹۰۱)	G.Finance Priv.Mex. (۱/۷۰۹/۱۳۳)
Somex	Grupo Creel (۲/۶۲۸/۵۴۹)	G.Fin.Invermexico (۱/۸۷۶/۵۲۵)	G.Financ.Priv.Mex (۱/۵۴۶/۵۲۵)	Zaidenweber (۱/۳۲۲/۵۷۶)	
Atlantico	G.Bursatil Mexicano (۱/۴۹۹/۱۶۰)	Afin-Regionales (۱/۲۷۲/۷۱۹)	G.Financ.Priv.Mex (۱/۲۶۰/۱۱۲)	Grupo Arka (۱/۰۶۴/۷۸۴)	
Promex	Valores Finamex (۱/۰۷۶/۴۷۳)	G.Fin.Multivalores (۹۷۲/۱۴۷)			
Banoro	Estrategia Bursatil (۱/۱۳۷/۸۱۱)	Grupo Ley (۴۵۰/۷۲۲)			
Banorte	Grupo Maseca (۱/۷۷۵/۷۷۹)	Grupo Arka (۱/۷۵۷/۳۳۶)			
Internacional	G.Fin.Prime (۱/۴۸۶/۹۱۷)	G.Fin.Multivalores (۱/۲۶۰/۰۹۹)	Grupo Arka (۱/۲۴۲/۴۶۶)		
Bancen	G.Fin.Multivalores	G.Regional	Grupo Arka		

مأخذ: نتایج تحقیق.

این مقادیر تا حدی نسبت به چهار بسته‌های قبلی بالاتر هستند و از استدلال اثر آبشار حمایت می‌کنند. با این حال، این نسبت تخفیف‌هایی را که مالکان پس از تجزیه و تحلیل دقیق دارایی‌ها و بدھی‌های بانک دریافت می‌کنند در نظر نمی‌گیرد. در تمام موارد، صاحبان بین^۹ (Banorte) و ۲۴/۱ درصد (Cremi) از مقادیر مزایده را تخفیف می‌گیرند. مهم‌ترین یافته این است که دولت مکزیک برنامه‌ای مؤثر و شفاف را برای خصوصی‌سازی نظام بانکی طراحی کرده بود. با وجود اینکه رعایت این اصل برای تضمین یک نظام مالی معتبر و ایمن کفايت می‌کند، اما کمی پس از خصوصی‌سازی در سال ۱۹۹۱ نظام بانکی در مکزیک سقوط و در سال ۱۹۹۴ با تحمل هزینه‌های بیشتر به مالیات‌دهنده‌گان دوباره نیاز به خصوصی‌سازی پیدا کرد (یونال و ناوارو، ۱۹۹۹) به این دلیل بالاجبار اصلاحاتی در برنامه خصوصی‌سازی خود صورت داد. در این راستا تمام محدودیت‌های مربوط به مالکیت خارجی در بانک‌های مکزیک را لغو کرد، در نتیجه سهم سرمایه‌گذاران خارجی از دارایی‌های سیستم بانکی این کشور از ۵ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۶۶ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش یافت، بنابراین آثار مثبت سرمایه‌گذاری خارجی سبب بهبود وضعیت سیستم بانکی این کشور گردید (شیرانی، ۱۳۸۶).

فرایند فنی خصوصی‌سازی دلیل ریشه‌ای شکست نیست، اما فقدان چارچوب قانونی و مقرراتی که از قبل تدبیر شده باشد می‌تواند دلیل اصلی این شکست باشد. نظام بانکی که به تازگی خصوصی شده است تحت محیط قانونی منسوخ شده و با مجموعه‌ای از سازمان‌های نظارتی که قابلیت اجرای مقررات جدید و یا اجرای قواعد موجود را نداشتند کار می‌کرد. عواقب ناشی از عدم بازرگی مؤثر بر بی‌سروسامانی‌های مالی، اصول حسابداری قانونی سست، دستورالعمل‌های ناکافی برای عدم بازپرداخت وام و راهبردهای نامناسب برای حسابرسان داخلی و خارجی را می‌توان با نگاهی به نرخ رشد وام‌های کل و وام‌های بازپرداخت نشده مشاهده نمود. از اواخر سال ۱۹۹۰ درست پیش از آغاز خصوصی‌سازی تا اواخر سال ۱۹۹۳، درست قبل از بحران پزو، تجمع وام ناخالص بانک‌های خصوصی به ۱۰۶ درصد افزایش یافت. در این مدت، شاخص قیمت ترکیبی تا ۳۶ درصد بالا رفت که دال بر افزایش ۷۰ درصد در شرایط واقعی و معادل نرخ رشد سالانه ۲۳ درصد است. اگر به رشد وام هر یک از بانک‌ها نگاهی بیندازیم نتایج بدست آمده بسیار جدی‌ترند. به عنوان مثال، در مورد BCH و Cremi، Banpais که در سال ۱۹۹۵ با شکست مواجه شدند نرخ رشد در وام طی سه سال خصوصی‌سازی به ترتیب برابر ۳۸۷، ۳۵۵ و ۵۶۰ درصد بود، اینگونه افزایش در نرخ رشد با هر معیار بی‌پروا و بی‌مالحظه تلقی می‌شود و این خود منجر به فروپاشی کل نظام مالی گردید و شکست خصوصی‌سازی بانک در این کشور را در پی داشت (یونال و ناوارو، ۱۹۹۹).

۸ نتیجه‌گیری

- مطالعه به دست آمده در خصوص تعیین اولویت واگذاری در کشورهای مورد بررسی مشاهده می‌شود برنامه مشخص و تدوین شده‌ای برای اولویت‌بندی شرکت‌های مشمول واگذاری و به طور اخص بانک‌ها وجودنداشته و بانک‌ها پس از واگذاری شرکت‌های تولیدی و خدماتی واگذار شده‌اند. تنها معیارهای مورداستفاده در این اولویت‌بندی معیارهای رقابت و مقیاس فعالیت و عملکرد بوده است و این در حالی است که اگر کشوری هدف بنیانگذاری اقتصادی کارامد و بازار محور را تعقیب می‌کند کاهش اعمال نفوذ دولت بر تصمیمات مربوط به تخصیص اعتبار بی‌نهایت ضروری است و دولت‌های خصوصی‌ساز می‌باشد مالکیت خود بر بانک‌ها را در اسرع وقت و در هر کجا که به لحاظ سیاسی امکان‌پذیر است به طور کامل واگذار نمایند.

- اصلاح ساختار مالی بانک‌ها پیش از اجرای فرایند خصوصی‌سازی ضروری است. با بررسی روند خصوصی‌سازی بانک‌ها در کشورهای مورد بررسی پی‌برده می‌شود که این کشورها پیش از آغاز خصوصی‌سازی به افزایش سرمایه، تجدید ساختار ترازنامه و پاکسازی آن از وام‌های معوق و حذف مطالبات مشکوک‌الوصول از پرتفوی بانک‌ها پرداخته‌اند و این امر باعث تغییرات مثبت شاخص مالی بانک‌ها در جریان خصوصی‌سازی بانک‌ها در این کشورها (بجز کشور مکزیک به دلیل روند کندی که در پیش گرفته بود) شده است. تجربه کشورها نشان می‌دهد شفافیت حاصل از پاکسازی مطالبات معوق که در ترازنامه ایجاد می‌شود نقش بسزایی در ارزش‌گذاری و جلب مشارکت سرمایه‌گذاران و اعمال روش‌های تشویقی و تزریق سرمایه در کنار سوخت نمودن بخشی از مطالبات داشته است.

- با مقایسه روش‌های خصوصی‌سازی کشورهای مورد بررسی مشاهده می‌شود هر کشور بر اساس اهداف و برنامه‌های خود روش مناسب جهت واگذاری را انتخاب نموده است. بجز کشور مکزیک کشورهای مجارستان و لهستان از یک روش خاص در خصوصی‌سازی بانک‌ها استفاده ننموده‌اند و با هدف جذب سرمایه‌گذاران خارجی از روش مزایده برای سرمایه‌گذاران عمدۀ اعم از داخلی یا خارجی و بورس برای سرمایه‌گذاران جزء استفاده نموده‌اند، اما با توجه به تفاوت نگرش دولت‌ها در سرمایه‌گذاری خارجی و میزان مالکیت دولت در بانک‌ها میزان درصد‌های واگذاری سهام به سرمایه‌گذاران خارجی، بخش خصوصی و دولت متفاوت است. دولت مجارستان پس از مدتی تمام سهام خود را نیز به سرمایه‌گذاران خارجی واگذار کرد و تقریباً کل مالکیت و کنترل سیستم بانکی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی واگذار گردید و مشاهده می‌شود که سرمایه‌گذاران خارجی سهم چشمگیری در این کشور دارند. کشور لهستان با نگهداری ۳۰ درصد سهام در مالکیت

دولت مابقی سهام را به بخش خصوصی واگذار کرد. در مکریک روند فنی خصوصی‌سازی بانک‌ها که از روش مزایده استفاده نموده شفاف و موفق بوده اما کافی نبوده است و علت شکست آن دلایلی بجز روش خصوصی‌سازی بوده است، بنابراین با تحلیل و بررسی به عمل آمده مشاهده می‌شود که حضور بانک‌های خارجی با ایجاد فضای رقبای سبب افزایش کارایی بانک‌ها در این کشورها گردیده است و نقش بسیار فعالی در توسعه راهبرد بانکی دارند. حتی دولت مکریک نیز که با شکست موافقه شد بالاجبار اصلاحاتی در برنامه خصوصی‌سازی خود صورت داد و تمام محدودیت‌های مربوط به مالکیت خارجی را در بانک‌های مکریک لغو کرد و این امر سبب بهبود سیستم بانکی این کشور گردید. مجارستان با موافقت و توجه کامل به این موضوع در حال حاضر به عنوان قوی‌ترین سیستم بانکی در منطقه اروپای مرکزی می‌باشد و لهستان به تدریج به اهمیت مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در سیستم بانکی به منظور موفقیت در خصوصی‌سازی پی‌برده است، بنابراین بر اساس مطالعات انجام شده مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در خصوصی‌سازی بانک‌ها به‌ویژه در کشورهایی که از اقتصاد آزاد ضعیفی بهره برده‌اند امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

منابع

- اولریش ارنست، اوران آر. یونگ و فینگر ماتیاس (۱۳۸۶)، محدودیت‌های خصوصی‌سازی، ترجمه محمد صفاری، سازمان خصوصی‌سازی.
- جعفری‌صمیمی، احمد (۱۳۸۷)، آدام/سمیت به مسکو می‌رود، چاپ دوم، حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه مازندران.
- چگینی، مهرداد (۱۳۸۸)، اثرات خصوصی‌سازی بر کارایی شرکت سهامی مخابرات استان گیلان.
- رحیمی‌بروجردی، علیرضا (۱۳۸۵)، خصوصی‌سازی، چاپ اول، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رحیمی‌بروجردی، علیرضا (۱۳۷۳)، سیاست‌های اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول.
- سید زارع اسکندری، داود و سعید عیسی‌زاده (۱۳۸۵)، "خصوصی‌سازی بانک‌ها و تأثیر آن بر کارایی نظام بانکی"، مجموعه مقالات، پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ اول.
- سازمان صنایع ملی ایران (۱۳۷۲)، مجله واگذاری شرکت‌های دولتی، سال دوم، شماره ۹، بهمن‌ماه.
- شیرانی، علیرضا (۱۳۸۶)، "شناسایی زیرساخت‌های توسعه بازارهای مالی و عوامل کلیدی موفقیت در صنعت بانکداری اسلامی"، مجموعه مقالات هم‌جایی همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، چاپ اول.

- صغری جمال (۱۳۷۲)، "توسعه بخش خصوصی و خصوصی‌سازی"، گزارش ارائه شده به سمینار بررسی تحلیل خصوصی‌سازی، دانشکده امو اقتصادی و مؤسسه توسعه اقتصادی، صص ۱۸-۲۳.
- عبده تبریزی، حسین (۱۳۸۲)، "بانک‌های خصوصی‌سازی و تجدید ساختار بانک‌های دولتی"، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی.
- کلوبید، چانگ (۱۳۸۸)، خصوصی‌سازی و توسعه نظریه خط‌مشی و شواهد، ترجمه محمد صفار، نشر عطرت نو.
- کیکری، سونیتا و فطیما کولو، آیشتو (۱۳۸۸)، خصوصی‌سازی روند‌ها و تحولات اخیر، چاپ اول، مؤسسه اوستا.
- کیکری، سونیتا (۱۳۸۸)، خصوصی‌سازی و نیروی کار، چاپ اول، انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- کیکری، سونیتا و نلیس جان (۱۳۸۷)، خصوصی‌سازی در بخش‌های رقابتی، چاپ دوم، نشر نیاک.
- کوپنکو، ژوزف (۱۳۸۰)، مادریت خصوصی‌سازی، ترجمه حسین اکبری، نشر آتنا.
- مجتبهد، احمد (۱۳۸۷)، خصوصی‌سازی بانک‌ها و تأثیر آن بر عملکرد نظام بانکی، چاپ اول، پژوهشکده پولی و بانکی.
- مکاین تاش (۱۳۸۷)، خصوصی‌سازی ولی اختاد مشکل‌ها، ترجمه مهدی علاء‌الهی، مجله تدبیر.
- مگینسون، ویلیام ال (۱۳۸۸)، اقتصاد مالی خصوصی‌سازی، ترجمه محمد صفار، چاپ اول، سازمان خصوصی‌سازی.
- Boehmer, Ekkehart, Robert C. Nash & Jeffry M. Netter (2003), "Bank Privatization in Developing and Developed Countries: Cross-Sectional Evidence on the Impact of Economic and Political Factors", Paper Presented at World Bank Conference on Bank Privatization, Nov. 20-21.
- Bonin, John, Iftekhar Hasan & Paul Wachtel (2003), "Privatization Matters: Bank Performance in Transition Economies", Working Paper New York University, New York.
- Brada, Josef C. (1996), "Privatization is Transition-Or is it?", *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 10, PP. 67-86.
- Bornstein, Morris (1999), "Framework Issues in the Privatization Strategies of the Czech Republic, Hungary and Poland", *Post-Communist Economies*, Vol. 11, No. 1, PP. 47-77.
- Boycko, Maxim, Andrei Shleifer & Robert W. Vishny (1994), "Voucher Privatization", *Journal of Financial Economics*, Vol. 35, PP. 249-266.
- Dieter, Bos (1991), "Privatization: Atheoretical Treatment", Clarendon Press, Oxford.
- Havrylyshyn, Oleh & Donal McGettigan (1999), "Privatization in Transition Countries: A Sampling of the Literature", IMF Working Paper 99/6, Washington, D. C.: IMF.
- Haluk Unal & Miguel Navarro (1999), "Policy Paper the Technical Process of Bank Privatization in Mexico", *Journal of Financial Services Research*.
- Jefferys, Abarbanell & John P. Bonin (1997), "Bank Privatization in Poland The Case of Bank Slaski", Working Paper, No. 48.
- La Porta, Rafael, Florencio Lopez-de-Silanes & Andrei Shleifer (2002), "Government Ownership of Banks", *Journal of Finance*, Vol. 57, PP. 265-301.
- Micheal Beesly & Stephen (1983), "Privatization; Principles; Problems and Priorities", *Lloyds Bank Review*, July, P. 1.
- Prokopenko, Joseph, "Management for Privatization Lessons from Industry and Public Service".
- Veljanovski Cento (1987), "Selling the State", Butler and Tanner ltd. P. 1
- Gerd, Sshwartz, "Privatization Possible Lesson from the Hungarian Case", *World Development*, Vol. 19. P. 17-31.

